خراسان رضوی

چهارشنبه
۲۶ دی ۱۳۹۷
۹ جمادی الاول ۱۴۴۰
۸ صفحه/ شماره ۴۰۴۴

مشهد Mashhad	تایباد Taybad	تربت جام Torbatjam	تربت حیدریه TorbatHeydarieh	درگز Dargaz	سبزوار Sabzevar	قوچان Quchan	نیشابور Nishapur
۵▼ ▲۱۵	۱۰▼ ▲۲۰	۳▼ ▲۱۷	۱▼ ▲۱۱	۵▼ ▲۱۴	۵▼ ▲۱۴	-۱▼ ▲۱۴	۲▼ ▲۱۲

روزنامه خراسان رضوی:
رتبه یک نشریات استانی

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیرمسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: سیدعلی علوی

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید صادقی
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۰۵۱-۳۷۶۳۴۰۰۰

نمابر دبیرخانه: ۰۵۱۳۷۶۲۴۳۹۵
پذیرش آگهی و اشتراک: ۰۵۱۳۷۰۱۰
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

چاپ مشهد: شهر چاپ خراسان
روابط عمومی: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱
نمابر تحریریه: ۰۵۱۳۷۶۲۶۵۰۱

حکمت روز

رسول اکرم (ص)

فرزندان خود را گرامی بدارید و خوب تربیت شان کنید تا گناهان شما آمرزیده شود.
مکارم الأخلاق ص ۲۲۲

مناجات

علامه حسن زاده آملی

الهی، کی شریک دارد تا تورا شریک باشد.
الهی، من واحد بی شریکم، چگونه تورا شریک باشد.
الهی، خوشا آن دم که در تو گُمم!
الهی، از من و تو گفتن شرم دارم؛ «أنتَ أنتَ».
الهی، نه خاموش می توان بود و نه گویا
در خاموشی چه کنیم، در گفتن چه گوییم؟

با شاعران

مولوی

در من بِدمی، من زنده شوم، یک جان چه بُود؟ جان
جان جان جان جان جان جان جان جان
جان جان جان جان جان جان جان جان
جان جان جان جان جان جان جان جان
جان جان جان جان جان جان جان جان
جان جان جان جان جان جان جان جان
جان جان جان جان جان جان جان جان
جان جان جان جان جان جان جان جان
جان جان جان جان جان جان جان جان
جان جان جان جان جان جان جان جان
جان جان جان جان جان جان جان جان
جان جان جان جان جان جان جانِ منی

خراسان به روایت خراسان

۲۶ دی ماه ۱۳۴۰

تونل زیر خیابان، جان شهروندی را گرفت

۵۷ سال پیش در چنین روزی، روزنامه «خراسان» نوشت: شب پنج شنبه، کامیونی حامل زغال به رانندگی محمد، فرزند حسین، از یکی از کوچه های وسیع شهر عبور می کرد. به علت خالی بودن زیر زمین کوچه، کامیون در خاک فرو رفت و در باغچه مجاور کَوچه که ۵ متر عمق داشت، سرنگون گردید.

از سه نفری که کنار راننده قرار داشتند، یک نفر مجروح و به بیمارستان اعزام شد. ولی در اثر شکستن دنده و آسیب دیدن ریه ها، معالجات مؤثر واقع نشد و مجروح، فوت کرد. دو سال قبل هم، طبق پرونده شهرداری، در همین محل کامیونی فرو می رود و موضوع بلافاصله به شهرداری گزارش داده می شود.

شهرداری، مدیر گاراژ آسایش تور را که مالک باغچه مجاور کوچه می باشد، احضار کرده و نامبرده را ملزم می کند که در مورد حفره هایی که به طرف کوچه کنده شده و از آن ها برای انباری استفاده می شود، اقدام نماید. ولی فرد مزبور در این مورد اقدامی نکرده و اگر هم اقدامی نموده، سطحی و ظاهری بوده و در نتیجه سهل انگاری نامبرده، این حادثه ناگوار به وجود آمده است. جریان از طریق دادگستری تحت تعقیب است و شهرداری نیز به نامبرده اخطار کرده که ظرف سه روز نسبت به پُر کردن کامل این راه های زیرزمینی باید اقدام کند.

نمای تاریخی

یک عکس قدیمی از قدمگاه نیشابور

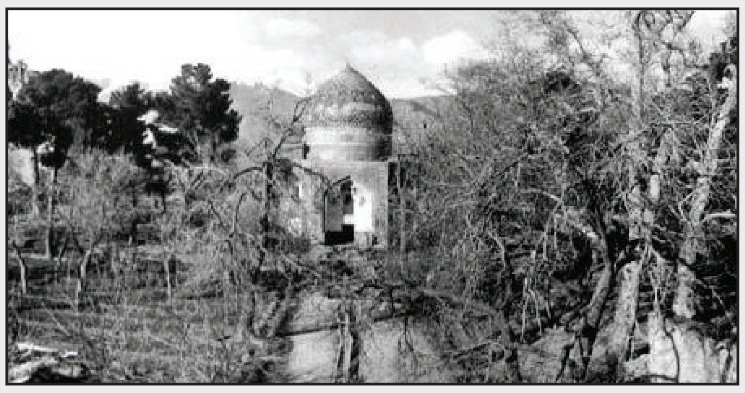

حکایت

با کاروان یاران به سوی دمشق رهسپار شدیم. به خاطر موضوعی از آن ها ملول و دلتنگ شدم. تنها سر به بیابان بیت المقدس نهادم و با حیوانات بیابان مأنوس شدم. سرانجام در آن جا به دست فرنگیان اسیر گشتم. آن ها مرا به طرابلس (یکی از شهرهای شام) بردند و در آن جا در خندقی همراه یهودیان به کار کردن با گل گماشتند. تا این که روزی یکی از رؤسای عرب که با من سابقه ای داشت از آن جا گذر کرد، مرا دید و شناخت. پرسید: (ای فلان کس! چرا به این جا آمده ای؟ این چه حال پریشانی است که در تو می نگرم.)

گفتم: چه گویم که گفتنی نیست!

همی گریختم از مردمان به کوه و به دشت / که از خدای نبودم به آدمی پرداخت

قیاس کن که چه حالم بود در این ساعت / که در طویله نامردمم بباید ساخت

پای در زنجیر پیش دوستان / به که با بیگانگان در بوستان

دل آن سردار عرب به حالم سوخت و به من رحم کرد و ۱۰ دینار داد و مرا از اسارت فرنگیان نجات بخشید و همراه خود به شهر حلب آورد و دخترش را به همسری من درآورد و مهریه اش را صد دینار قرار داد. پس از مدتی آن دختر بدخوی با من بنای ناسازگاری گذاشت، زبان دراز کرد و با رفتار ناهنجارش زندگی مرا برهم زد.

زن بد در سرای مرد نکو / هم درین عالمست دوزخ او

زینهار از قرین بد، زنهار! / وقنا ربنا عذاب النار

خلاصه این که: آن زن زبان سرزنش و عیب جویی گشود و همچنان می گفت: مگر تو آن کس نیستی که پدرم تو را از فرنگیان خرید و آزاد ساخت؟ گفتم: آری. من آنم که پدرت مرا با ۱۰ دینار از فرنگیان خرید و آزاد نمود، ولی به صد دینار مهریه، گرفتار تو ساخت.

شنیدم گوسفندی را بزرگی / رهانید از دهان و دست گرگی

شبانگه کارد بر حلقش بمالید / روان گوسفند از وی بنالید

که از چنگال گرگم در ربودی / چو دیدم عاقبت، خود گرگ بودی

حکایت های گلستان سعدی به قلم روان - محمد محمدی اشتهاردی

قصه های ناتمام

ملیحه رفیع طلب

گفت و گو با هنرمند جوان مشهدی که اثر «ضامن آهو»ی استاد فرشچیان را با سبک و سیاق خاصی معرق کاری کرده است

سِحر چوب

از دور که نگاه می کنی، به تابلوهای نقاشی یک استاد زبده و کارکشته شبیه است. تلفیق رنگ های گرم و ملایم، چشمت را از دیدن سیر نمی کند و مات ظرافت خطوط آن می شوی. با خودت می گویی اثری با این ابعاد و با این تلفیق رنگ های گرم و گیرا و این نقوش پر حاشیه، روزها و ماه ها که نه، حتما سال ها هنرمندی را مشغول خلق آن کرده است. اما اگر چند قدمی به تابلو نزدیک شوی، می بینی به جای رنگ، این ظرافت چوب است که به مدد هنر معرق، یک تصویر باشکوه را خلق کرده است تا مخاطب مسحور زیبایی آن شود.

آن چه پیش چشم ماست، تابلوی «سحر چوب» برگرفته از نگاره نفیس و جاودان «ضامن آهو» اثر استاد محمود فرشچیان است. این اثر در ابعاد ۱۴۳×۲۰۳ سانتی متر طراحی و اجرا شده است و ساخت آن به گفته خالق اش بیش از شش سال به طول انجامیده است. برای خلق این اثر، از چوب هایی با رنگ طبیعی استفاده شده است. سعید ارزگان ۳۷ ساله، خالق جوان این اثر است. او مقابل تابلویش می نشیند و بر ایمان از «سِحر چوب» و دلیل انتخاب اثر شاخص استاد فرشچیان برای ساخت معرق خود می گوید. آن چه در ادامه می خوانید، گفت و گوی ما با این هنرمند خوش ذوق مشهدی است.

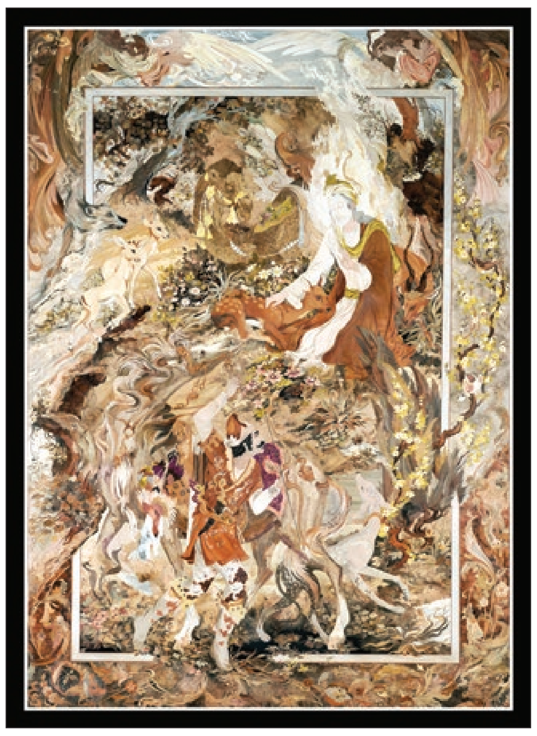

هیچ درختی را قطع نکردم

در همان ابتدای صحبت، ارزگان برایمان توضیح می دهد: در این اثر حدود ۱۵۰ گونه درختی با تنوع های رنگی مختلف به کار رفته است و از تلفیق بیش از ۸۰ هزار قطعه چوب این تابلو خلق شده است. او در ادامه به تشریح کارنامه کاری خود می پردازد و اظهار می کند: ۲۰ سال است معرق کاری می کنم، در واقع از ۱۷ سالگی این هنر به نوعی با زندگی من پیوند خورد و در کنار درس و مشق، بخشی از اوقاتم را به یادگیری و تمرین این هنر می پرداختم. مهارت امروزم را مدیون استادان بنامی هستم که راهنمای من در این مسیر بودند. وی بیان می کند: سال ۸۸ بود که تصمیم گرفتم یک اثر فاخر و خاص را در کارنامه هنری خود ثبت کنم و برایش یک نام خاص انتخاب کردم: «سحر چوب»... نیتم این بود که به مخاطب بگویم زیبایی چوب کم از رنگ نیست و اگر هر دو را به چاشنی هنر آغشته کنی، نتیجه می شود؛ نقشی سحرانگیز. این هنرمند جوان خاطر نشان می کند: این کار در واقع برگرفته از تابلوی «ضامن آهو» اثر استاد فرشچیان است و از ابتدای کار تا پایانش، قریب به شش سال زمان صرف شده است.

نکته قابل توجهی که در این اثر وجود دارد و وجه تمایز آن با دیگر آثار معرق، رنگ های طبیعی چوب است. این طبیعی بودن چوب ها وقتی مشخص می شود که روی اثر دست بکشی و آن موقع متوجه بافت زنده چوب می شوی. ارزگان در این باره توضیح می دهد: هر کدام از این رنگ ها از درختی گرفته شده است. هر چوب یک تخته و یک رنگ دارد و من سعی کردم از رنگ های چوب در اثرم استفاده کنم. تمام تیرگی ها و روشنی های این اثر، محصول تلفیق چوب ها با یکدیگر است. حتی ریزترین خطوط این اثر نیز از رنگ چوب گرفته شده است.

وی می افزاید: برای تهیه این چوب ها، از شمال ایران بگیرید تا جنوب و شرق آن را سفر کردم تا چوب های کمیاب را نیز پیدا کنم. من در دل طبیعت روزها را به شب رساندم و از آن جایی که اثر متعلق به امام رضا (ع) است سعی کردم حرمت زیادی برای آن قائل شوم، از این رو هیچ درخت زنده ای را قطع نکردم و تمامی چوب های استفاده شده در اثرم خشک هستند.

می خواستم اثری ماناخلق کنم

این هنرمند اذعان می کند: وقتی این کار را برای گرفتن نشان ملی به تهران بردم، کارشناسان گفتند این اثر موزه ای است و نمی توانیم به آن نشان هنری بدهیم. همچنین در سال ۹۴ این اثر را به تهران بردم تا استاد فرشچیان از نزدیک آن را ببینند و به ایشان از تاثیر و الهامی که نقاشی شان بر من داشته، بگویم. استاد بسیار استقبال و از این اثر تقدیر کردند.

از او می پرسیم چرا این اثر فاخر را به صنایع دستی یا موزه ها معرفی نکرده است که بیان می کند: کار من از اواخر سال ۹۵ در موزه حرم رونمایی شد که مقارن با نام گذاری مشهد در سال ۲۰۱۷ به نام پایتخت فرهنگی جهان اسلام بود و کار من بین اخبار مربوط به این رویداد بزرگ فرهنگی گم شد. البته در آن برهه نمایندگانی از تمامی کشورها حضور داشتند و بازدید خوبی هم انجام شد.

وی درباره این اثر توضیح می دهد: معمولا در آثار معرق بین چوب ها درز و شکاف زیادی وجود دارد، اما در این اثر چنین نیست و همین موضوع حتی مورد حیرت کارشناسان هم قرار گرفت که چطور به این سبک رسیدی که هیچ درز و شکافی بین خطوط چوب وجود ندارد در حالی که بین آثار معرق کاران این بحث کاملا طبیعی است.

وی می گوید: من می خواستم اثری مانا از خود به یادگار بگذارم. در نظر داشتم به زبان چوب، حرفی نو و بکر برای مردم و کشورم بیان کنم. دوست داشتم کارم به نوعی شبیه یک نقاشی باشد و توامان انعکاسی از زبان چوب تا در نگاه مخاطبان تکراری جلوه نکند.

او درباره انتخاب ضامن آهو نیز می گوید: بنده علاقه زیادی به امام رضا (ع) دارم و از این رو تابلوی ضامن آهو را انتخاب کردم چرا که این اثر ارزش صرف شش سال عمر را داشت و به نوعی هم کار بود و هم عبادت. دلیل دیگرش این بود که این کار یکی از سه اثر فاخر استاد فرشچیان به شمار می آید. در این مسیر از حضرت مدد گرفتم و لطف ایشان شامل حالم شد. وجود پُربرکت آن حضرت باعث شد سختی و طولانی بودن کار دلسردم نکند و تا آخر آن را پیش ببرم.

چون غرض آمد هنر پوشیده شد

این معرق کار جوان از بقیه آثارش نیز برایمان می گوید: من به جز این کار، آثار معرق دیگری هم دارم اما تکنیک و سبکی که توانستم با آن اثر مذکور را خلق کنم، خاص است. دوست دارم این مسیر را ادامه بدهم و آثار ماندگار بیشتری تولید کنم.

حرف حمایت از هنرمندان می شود و او در واکنش، بیان می کند: تا امروز به دلایل مختلفی از جمله ضعف حمایت ها از هنرمندان و به ویژه معرق کاران، اثر من آن طور که باید و شاید معرفی نشده است. البته سال ۹۵، مجال کوتاهی برای نمایش آن فراهم شد ولی محدود به همان برهه بود. البته همان هم با کش و قوس های زیاد محقق شد.

وی تصریح می کند: البته در فضای هنری گاهی تنگ نظری هایی نیز رخ می دهد، این که کسی می گوید فلان اثر کپی و تکراری است و ارزش واقعی و زحمت زیادی را که برای یک کار خلاقانه و متفاوت صرف شده، نادیده می انگارد. به قول معروف؛ «چون غرض آمد هنر پوشیده شد».

ارزگان در خصوص هزینه هایی که برای این اثر صرف کرده نیز متذکر می شود: در این شش سال، بیش از ۸۰ میلیون تومان هزینه و دوندگی های فراوان صورت گرفت. وی اشاره ای هم به رونمایی از اثرش در سال آینده می کند و می گوید: یکی از فعالان عرصه صنایع دستی در کشور پیشنهاد داد این اثر در اداره کل میراث فرهنگی استان تهران با حضور مسئولان و رسانه ها رونمایی شود که مشغول برنامه ریزی برای این کار هستند.

مشهد # Mashhad

شهر و استان در شبکه‌های اجتماعی

برزو ارجمند، مهمان «فرمول یک» علی ضیا بود. او بعد از حضور در مقابل دوربین این برنامه، یک قاب مشترک را در صفحه اینستاگرام خود منتشر کرد و نوشت: «با رفیق دوست داشتنی علی ضیا که همچنان داره قد می کشه.» اما علی ضیا در این برنامه به شوخی به ماجرای موکاشتن ارجمند پرداخت و گفت: اسم شما را که (در اینترنت) می زنیم اولین چیزی که می آید این است که برزو ارجمند موهایش را کاشته است و موسسات زیبایی زیادی نیز با آن تبلیغ می کنند. ارجمند در پاسخ، به انجام این عمل اذعان کرد و گفت که در موسسه یکی از دوستانش این عمل زیبایی را انجام داده است. این هنرمند خراسانی در بخش دیگری از این برنامه بیان کرد: بیشتر بازی های من مربوط به آثار تلویزیونی بوده اما بعضی از بهترین آثاری که از بازی در آن ها لذت برده ام، در سینما رقم خورده اند. او با بیان این که نقش های بد هم داشته و بازی در آن ها را به خاطر پول پذیرفته است افزود: بالاخره من از راه هنر ارتزاق می کنم و بخشی از این کارهای ضعیف نیز به تلویزیون تعلق داشته است. گاهی فیلم نامه هایی به دستم رسیده که تنها سه قسمت آن نوشته شده بوده و طبیعتا بازیگر نمی تواند اول تا آخر نقش اش را در چنین شرایطی پلان بندی کند و از یک جایی به بعد سوار تجربه اش می شود، چون نمی داند که آخر سریال چه خواهد شد؟

سید محمود رضوی، تهیه کننده خراسانی سینما و تلویزیون با انتشار این عکس از گریم بازیگر فیلم سینمایی «ماجرای نیمروز / رد خون»، نوشت: اولین عکس خانم «هستی مهدوی» (بازیگر) با طراحی گریم عالی از شهرام خلج... باید عرض کنم تمام تلاش ما حضور در جشنواره است، حتما در احقاق حق خودمان تلاش خواهیم کرد، بقیه اش دست خداست نه افراد و آدم ها...

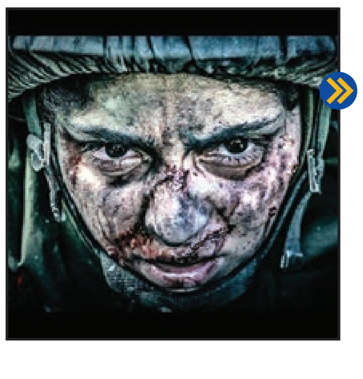

عکسی از طبیعت روستای روشناوند گناباد

یادداشت

حامد کامل نیا

رئیس دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه فردوسی

معماری اسلامی-ایرانی؛ از شعار تا واقعیت

امروزه معماری معاصر مشهد بیش از هر زمان دیگر تحت تاثیر جریان تقلیدی از معماری کلاسیک غربی (به معنای رایج کلمه) است. در هر کوچه و برزنی که قدم می زنی تعداد زیادی از ساختمان های به اصطلاح نمارومی، نما کلاسیک و... سر بر افراشته است... به راستی چه چیز باعث بروز این شرایط است: آیا معماران و مهندسان باعث توسعه این سبک شده اند؟ سرمایه گذاران و پیمانکاران این سلیقه را به شهر ما تحمیل می کنند؟ مردم این ساختمان ها را بیشتر می پسندند؟ قوانین نادرست و مسئولان با تصمیمات غلط این مسیر را رقم زده اند؟ و انبوه فرضیات دیگر... اما هر چه هست محصولش شده آن چیزی که ما در شهر مشهد می بینیم. معماری پدیده ای جدا از دیگر تحولات اجتماعی-سیاسی در کشور نیست. امروزه در حوزه های دیگر نیز به شکل های مختلف شاهد این آشفتگی ها هستیم (از اقتصاد و بازار گرفته تا هنر و...). همچنین در انواع نمودهای هنری (مانند سینما) هم به نوعی این اتفاقات دیده می شود و همان طور که به زعم کارشناسان هنر هفتم، سینمای گیشه، پرده ها و اکران ها را تسخیر کرده است، معماری گیشه نیز از نوع معماری کلاسیک غربی به شمار می آید و به نوعی خیابان های شهر ما را تسخیر کرده است. هدف نکوهش شعاری و از روی عادت برخی از منتقدان به معماری غرب (از هر نوعش) نیست بلکه باید به این موضوع اشاره کرد که این نوع معماری (کپی برداری و تقلید از معماری نئوکلاسیک) امروزه حتی در معماری معاصر همان کشورها نیز جایز نیست و معتقدم که این هنر باید نمایانگر روح زمان خود باشد و از تقلید و التقاط به دور (چه شرق باشد و چه غرب). یکی از موضوعات بسیار مهم و جدی در تحقق نیافتن اصول معماری (ایرانی-اسلامی) این است که ساختمان ها امروز در شهر ما بیش از آن که دارای معماری هویت داری باشند و فضا و مکان هایی برای سکونت و آرامش یافتن انسان ها، به کالای سرمایه ای تبدیل شده اند (مثل دلار و سکه!) و این دلالان و سوداگران هستند که آن را جهت می دهند... بنابراین شاید فرصتی برای تعمیق و تحقق ایده ها و الگوها در ساختمان ها برای معماران وجود ندارد یا بسیار اندک است. باید توجه داشت، آن چه ما در پیرامون خود می بینیم دیگر نشانی از ارزش های معماری در خود ندارد و بیشتر کالبدهای بی روح و بی معنایی است که در حباب های خودساخته، با قیمت مادی خود را به رخ می کشاند. در حوزه های مدیریتی و نظارتی نیز متاسفانه بعضا جهت گیری ها و تصمیم های نادرست دیده می شود و گاه با اعمال نظرهای غیرتخصصی و تصمیمات مقطعی و مداخله نادرست به این جریان دامن زده می شود؛ چه در تشخیص اصول معماری (از نوع ایرانی-اسلامی) و بعضا تبلیغ نادرست الگوهای غلط و چه در مواجهه با دیگر الگوهای معماری (یا به اصطلاح غربی). شاید یکی دیگر از دلایل فاصله گرفتن از اصول معماری گذشته کشورمان (به ویژه در مشهد) پرداختن افراطی و شعاری به این موضوع و کلیشه ای کردن مباحث آن است که در انواع دیگر هنر در مشهد نیز شاهد آن هستیم. یعنی به جای پرداختن محتوایی به موضوعاتی مانند معماری اسلامی، معماری بناهای اسلامی، معماری در کشورهای اسلامی و تبیین ابعاد و شاخصه های آن، بیشتر به شکل و ظاهر توجه شده است؛ در حالی که به جای شعاری کردن موضوعات باید سعی کرد تاثیر این نوع نگرش در جوهره کالبدی بنا دیده شود و جای کلیشه سازی استفاده از طاق، قوس و کاشی، صورت نگاری بنا، تبدیل به محتوا و اصالت ذاتی شود. این کار ساده ای نیست و نباید انتظار داشت همه ساختمان های ما از خانه و مدرسه گرفته تا بیمارستان و کارخانه و فرودگاه همه و همه به تعبیری معماری ایرانی-اسلامی داشته باشند. اگر بپذیریم معماری مطلوب و ارزشمند به موضوعاتی مانند عملکرد (کارا بودن)، زیبایی (فرم و فضا) و معنی (ماهیت و جوهره) باید توجه کند، نهایت مطلوب این است که ما با درک ماهیت و جوهره معماری ایرانی-اسلامی بتوانیم بناهای خود را شکل دهیم؛ اما دیگر موضوعات مهم معماری نیز می توانند در جای خود ارزشمند باشند. از جمله پرداختن به اصولی مانند احترام به طبیعت، سایت و محیط پیرامون، کار با اقلیم، مصالح بوم آورد، پرهیز از بیهودگی (و تزیینات اضافی)، تناسبات و هندسه و... که همگی از ویژگی های معماری ملی یا آیینی ما به شمار می روند. از این منظر بسیاری از اصول (و نه شکل ها و ظواهر) را می توان از گذشته گرفت اما به شرطی که ترجمان امروزی برای آن ارائه و بر اساس نیازها و شرایط معاصر به آن ها پرداخته شود؛ به عبارتی رسیدن به یک دستور زبان معماری معاصر و پیشرو که در یک بستر و زمینه ایرانی-اسلامی بتواند ظهور پیدا کند. بنابراین هدف باید متوجه اصول و نه ظواهر معماری ایرانی-اسلامی باشد و با پرهیز از تعصب و افراطی گری و دوری جستن از مصادیق شعارگونه و معماری دستوری و آیین نامه ای به دنبال فرهنگ سازی و بسترسازی برای تولید درون زا در عرصه معماری پیشرو باشیم.

صفحه آرایی
واحد صفحه آرایی روزنامه خراسان
سفارش می پذیرد
☎ ۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰
layout@khorasannews.com